

کافه  
خاطره روزنامه  
صبا؛ گفت‌وگو با  
محسن دامادی  
نویسنده و کارگردان  
سینما

# از تحصیل محروم ولی به کتاب نزدیک شدم

احمد محمد اسماعیلی

گفت‌وگو

همیشه تعامل و نزدیکی میان ادبیات و سینما تأثیرات مثبتی به همراه داشته است. بسیاری از نویسندگان بزرگ نیز گرایش جدی به سینما و فیلم‌سازی داشته‌اند. محسن دامادی از جمله کارگردان‌هایی است که پیشینه‌ای ارزشمند، درخشان و قابل اعتنا در عرصه نوشتن دارد. آثار او در حوزه ادبیات شامل کتاب‌هایی چون «مرگ سینما بی»، «مردی برای تمام سال‌ها»، «آن شب که شاه رفت»، «افسانه یک نجیب‌زاده ایرانی»، «ایران نام دختر است» و مجموعه داستان‌های «شاهنامه» است که تاکنون ۱۹ جلد از آن منتشر شده است. در عرصه سینما نیز فیلم‌هایی چون «آپارتمان شماره ۱۳»، «بهترین بابای دنیا»، «از صمیم قلب»، «یک اشتباه کوچولو»، «خانواده ار نست»، «قبرستان غیرانتفاعی»، «همه چی عادی» و «هما کی میاد؟» از جمله آثار شاخص او به شمار می‌آیند. افزون بر این، دامادی در نگارش و ساخت چندین سریال مهم تلویزیونی نیز نقش مؤثری داشته است. در ادامه با او مروری بر دوران کاری و مسیر هنری‌اش خواهیم داشت.

## از چه سن و سالی مطالعه برایتان جدی شد؟

از کلاس پنجم دبستان. چند کتابی خریده بودم. برادرم کتاب‌ها را دید و سپر مطالعاتی مرا عوض کرد. اولین کتاب جدی زندگیم، «آوای وحش» از جک لندن بود. بعد با نویسندگان ایرانی آشنا شدم.

## از میان مترجمان رمان‌های خارجی کار کدامیک برایتان جذابیت بیشتری داشت؟

باز هم برادرم مرا با کارهای مترجمان برجسته مانند جناب سروش حبیبی، محمد قاضی و دیگران آشنا کرد.

## شغل برادران چه بود؟

دبیر بود.

## کتاب‌ها را به چه شیوه‌ای برای مطالعه تهیه می‌کردید؟

برادرم مرا با آقای سمندر مالک کتابفروشی تابان در خیابان شاهپور کرمان آشنا کرد. با کمک ایشان کتاب اجاره می‌کردم.

## با چه مبلغی؟

اول یک ریال، تا سه ریال اضافه شد. هر کتابی هم دوست داشتم می‌خریدم.

## در آن مقطع سنی کدام کتاب‌ها را از نویسندگان ایرانی بیشتر دوست داشتید؟

من کتاب‌های نویسندگان ایرانی را خواندم، بزرگ علوی، دولت‌آبادی، چوبک، مرادی کرمانی، آل احمد، هدایت و دیگران...

## آیا در مدرسه بچه درس خوانی بودید؟

برای درس خواندن زیاد انرژی زیادی نمی‌گذاشتم، ولی نمراتم خوب بود. حافظه تصویری قوی داشتم. مثلاً انگلیسی درس محبوب من نبود ولی هیچ وقت تجدید نشدم. امتحان انگلیسی دو بخش داشت، متن و گرامر. در متن، واژه‌هایی غلط می‌نوشتند که زود پیدا می‌کردم، در گرامر هم تصویر درست جمله در ذهنم بود، مثلاً کدام حرف اضافه درست است. بعد در شهر خودم از تحصیل محروم شدم.

## به چه دلیل؟

چیزهای احساساتی.

## آیا گرایش چپ داشتید؟

از سوی برادرم با افکار دکتر شریعتی آشنا شدم. خودش در دانشگاه مشهد شاگرد او بود. دیدگاه فکری و سیاسی نداشتم. برادرم نوشته‌های استثنایی شده شریعتی را برایم می‌آورد. تأثیر آن آمد توی روزنامه‌های دیواری که در مدرسه درست می‌کردم. برای آنها ادیت و برای تنبیه با معدل خوب، مردود شدم. احمقانه بود که شاگرد مغروری را برای هیچ و بوج وادار کنی با نظام پادشاهی مخالفت کند. این مخالفت‌ها در آن سن و سال بیشتر احساسی بود تا منطبق بر عقلانیت و منطق.

## در چه رشته‌ای تحصیل می‌کردید؟

علوم تجربی. شاگرد خوب‌ها با فشار خانواده یا باید ریاضی می‌خواندند یا علوم تجربی. انتخاب رشته ادبی یا هنرستان به این معنی بود که طرف درس خوان نیست.

## بالاخره دیپلم گرفتید؟

هر روز مثل شاگرد مدرسه در کتابخانه صنعتی کرمان بودم ولی لورفتم که مدرسه نمی‌روم. با اعمال نفوذ برادرم، اواخر فروردین به صورت متفرقه در بندرعباس ثبت نام کردم. دوماه بعد امتحان نهایی بود. دوست عزیز درس خوانی جانفشانی کرد و با من به بندرعباس آمد. شب و روز به من درس داد و دیپلم گرفتم.

## نوشتن را از چه موقع شروع کردید؟

از حوالی سال ۵۵ با شعر شروع شد. بستگان ما تهران بودند. تابستانی مهمان دایی‌ام بودم، با همسرم آشنا و پس از ازدواج ماندگار شدم. پدر همسرم نویسنده و مورخی نامدار بود.

## در تهران چگونه گذران زندگی می‌کردید؟

اولین کارم در وزارت فرهنگ بود. یک سال کارمند قراردادی بودم. ماجراهای جالبی دارد که باید بنویسم. بیست و دو ساله بودم.

## آیا روحیه‌تان با ۸ صبح رفتن سر کار و بعد از ظهر برگشتن سازگار بود؟

مجبور بودم، ولی از کار کم نمی‌گذاشتم. علاوه بر انجام کارهای خودم، به هم‌اتاقی‌ها کمک می‌کردم از بیکاری کلافه‌نشوند. دیدم چه کنم، تا پایان وقت اداری کتابی در کشوی میز داشتم، می‌خواندم و نت می‌نوشتم. خبر رسید به مدیر کل وقت آنجا و به من گفت در وقت بیت‌المال، کتاب می‌خوانی؟ تمرین داستان‌نویسی هم مال همین دوران بود.

## اولین کتاب مال چه زمانی بود؟

اولین کتابم مجموعه داستانی بود که در ۲۴ سالگی نوشتم ولی برای چاپ دچار مشکل شد. از متن کتاب تا تغییر اجباری در نام کتاب.

## بعد از دوران کارمندی چه کردید؟

زمان کارمندی با کار چاپ و نشر آشنا و بلافاصله ناشر شدم. چند کتاب منتشر کردم. لابلای آن کار ویرایش انجام می‌دادم. حدود پنج سالی این چنین گذشت.

عکس: معین ابوالحسن زاده